

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه رازی
دانشکده علوم اجتماعی
گروه علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی

عنوان پایان نامه

ساخت اجتماعی تغییر مواضع ایدئولوژیکی سازمان مجاهدین خلق

استاد راهنما:

دکتر طهماسب علیپوریانی

استاد مشاور:

دکتر مسعود اخوان کاظمی

نگارش:

بهزاد ابراهیمی

۱۳۸۹/۲/۶ - ۶

مطابقت درک سلی بریزه
شمس درک

زمستان ۱۳۸۸

۱۳۵۱۷۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده علوم اجتماعی
گروه علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی

نام دانشجو: بهزاد ابراهیمی

تحت عنوان:

ساخت اجتماعی تغییر مواضع ایدئولوژیکی سازمان مجاهدین خلق

در تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۴ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه بسیار خوب به تصویب نهایی رسید.

امضاء

با مرتبه ی علمی استادیار

۱- استاد راهنما دکتر طهماسب علیپوریانی

امضاء

با مرتبه ی علمی استادیار

۲- استاد مشاور دکتر مسعود اخوان کاظمی

امضاء

با مرتبه ی علمی استادیار

۳- استاد داور داخل گروه دکتر محمدابوالفتحی

امضاء

با مرتبه ی علمی استادیار

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر مرتضی نعمتی زرگران

همواره پاس‌گذار عزیزانی خواهیم بود که در به انجام رساندن این پژوهش یاری‌گرم بوده‌اند:

استاد راهنمای ارجمندم، آقای دکتر طه‌اسب علی‌پوریانی

استاد مشاور گرامیم، آقای دکتر مسعود انخوان کاظمی

استاد فریخته‌ام، آقای دکتر قدرت اجمیان

دوستان عزیزم آقایان: داریوش الهیاری، همدی محمودی، کیوان الهیاری، سجاد احسانی، مختار نوری و فریبرز فلاحتی.

تقدیم:

از دوران خردی، گذران خوش زندگی و تحصیل، تحت مخمای گسترده‌ترین سایه، هستی ام را نیک عطیه‌ای الهی از جانب پروردگار می‌دانم به نشانه پاس از خالق، این عصاره آموخته‌ایم را تقدیم می‌کنم به: «دانه طاووس»

چکیده:

اوضاع سیاسی_ اجتماعی ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تحت فشار و اختناق حاکم، فعالیت احزاب و گروه های سیاسی را با محدودیت مواجه ساخت. اما در اواخر دهه ۳۰ شاهد اعلام فضای باز سیاسی از سوی رژیم هستیم که در واقع آخرین فرصت نظام در روی آوردن به مبارزه دمکراتیک بود. اما در ابتدای دهه ۴۰ با سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شاهد شکل گیری روح زمانه ای هستیم که همه گروه ها نسبت به فعالیت های مسالمت آمیز بدبین شدند و تنها راه مبارزه را در مقابله مسلحانه با رژیم یافتند. سازمان مجاهدین خلق یکی از این گروه ها بود که پیام روح زمانه را دریافت کرد.

این سازمان که بنیانگذاران آن افرادی با ساخت اجتماعی مذهبی بودند، اما وارد شدن پیش از موعد مقرر سازمان به مرحله نظامی، منجر به ضرباتی در شهریور ۱۳۵۰ به سازمان شد. در نتیجه شاهد پیدایش افرادی در رأس و هرم سازمان هستیم که دارای ساختی متفاوت از ساخت بنیانگذاران بودند. با عطف به این تغییر در ساخت اجتماعی و با توجه به اینکه آگاهی و فهم انسان تحت تأثیر شرایط اجتماعی تغییر می کند، می توان تغییر در فهم ایدئولوژی سازمان مجاهدین در سال ۱۳۵۴ را قابل پیش بینی دانست.

کلید واژه ها: سازمان، ایدئولوژی، مجاهدین، ساخت اجتماعی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	کلیات.....
۲	طرح مسئله.....
۳	پیشینه و ادبیات موضوع.....
۵	سوال اصلی.....
۵	فرضیه.....
۶	مفروض.....
۶	متغیرها.....
۶	الف) متغیر وابسته.....
۶	ب) متغیر مستقل.....
۶	روش آزمون فرضیه.....
۶	اهداف تحقیق.....
۶	اهمیت موضوع.....

فصل اول: چارچوب نظری

۹	جامعه‌شناسی معرفت.....
۱۳	هرمنوتیک.....
۱۳	هرمنوتیک قصدگرای اسکینر.....
۱۴	هرمنوتیک فلسفی.....
۱۹	نتیجه‌گیری.....

فصل دوم: بازسازی فضای عمومی دهه ۳۰

۲۱	الف- ساختار قدرت سیاسی و اجتماعی دهه ۳۰.....
۲۲	۱- بعد داخلی.....
۲۲	۱-۱- برقراری حکومت کودتاجیان.....
۲۲	۱-۲- اقدامات سرکوبگران رژیم کودتا.....
۲۲	۱-۳- تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور.....
۲۳	۱-۴- کم رنگ شدن نقش مجلس.....
۲۳	۲- بعد خارجی.....
۲۳	۲-۱- تجدید روابط سیاسی با بریتانیا.....
۲۴	۲-۲- انعقاد قرارداد کنسرسیوم و حل مسئله نفتی.....
۲۴	۲-۳- عضویت در پیمان بغداد(سنتو).....
۲۵	۲-۴- برقراری روابط با آمریکا و انعقاد پیمان نظامی دو جانبه با این کشور.....
۲۵	فضای بازسازی اواخر دهه ۳۰.....

صفحه	عنوان
۲۶	ب- رفتار احزاب و تشکل های سیاسی دهه ۳۰.....
۲۷	۱- احزاب ملی.....
۲۷	۱-۱- جبهه ملی و نهضت مقاومت ملی.....
۲۸	۲-۱- جبهه ملی دوم.....
۳۰	۳-۱- نهضت آزادی.....
۳۲	۲- احزاب چپ.....
۳۲	۱-۲- حزب توده.....
۳۳	۳- احزاب مذهبی.....
۳۳	۱-۳- فدائیان اسلام.....
۳۴	۲-۳- جمعیت هیأت های موتلفه اسلامی.....
۳۵	نتیجه گیری.....

فصل سوم: بازسازی فضای عمومی در دهه ۴۰

۳۷	۱- اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در دهه ۴۰.....
۳۷	۱-۱- زمینه خارجی: روی کارآمدن کندی در آمریکا.....
۳۸	۲-۱- زمینه داخلی: رحلت آیت الله بروجردی.....
۳۸	۲- قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ ش / ۱۹۶۳ م. و نقش آن در تغییر نگرش مبارزاتی.....
۳۹	۳- فکر مبارزه مسلحانه.....
۴۱	۴- گروه ها و سازمانهای با مشی-مسلحانه.....
۴۱	۴-۱- سازمان چریک های فدایی خلق.....
۴۲	۴-۲- سازمان مجاهدین خلق.....
۴۲	۴-۳- تأسیس و عضوگیری.....
۴۴	۴-۴- برنامه های آموزشی.....
۴۵	۴-۴-۱- آموزش های نظری.....
۴۶	۴-۴-۲- آموزش های عملی.....
۴۷	۵- تشکیل گروه ایدئولوژی (ایدئولوژی اولیه).....
۴۸	۶- تعیین استراتژی و تاکتیک.....
۵۰	نتیجه گیری.....

فصل چهارم: بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق و ملاحظات ساخت اجتماعی

۵۳	۱- محمد حنیف نژاد.....
۵۵	۱-۱- دوران نوجوانی.....
۵۹	۲-۱- دوران دانشگاه.....
۶۰	۳-۱- حنیف نژاد و زندان اول.....

عنوان	صفحه
۴-۱- حنیف نژاد و انس با قرآن.....	۶۲
۵-۱- اندیشه ورزشی و کار عملی حنیف نژاد.....	۶۳
۶-۱- دیدگاه حنیف نسبت به مارکسیسم.....	۶۴
۷-۱- دوران سربازی با چشم انداز عمل.....	۶۵
۲- سعید محسن.....	۶۹
۳- علی اصغر بدیع زادگان.....	۷۰
۱-۳- اصغر بدیع زادگان از زبان برادرش اکبر بدیع زادگان.....	۷۲
نتیجه گیری.....	۷۳
فصل پنجم: بازسازی شرایط داخلی و خارجی تا نیمه اول دهه ۵۰	
الف- بازسازی شرایط داخلی.....	۷۴
۱- فعالیت‌های سازمان مجاهدین از شهریور ۱۳۵۰ تا مهرماه ۱۳۵۴.....	۷۵
۱-۱- ضربه شهریور ۱۳۵۰ ش.....	۷۵
۱-۱-۱- زمینه به وجود آمدن ضربه.....	۷۵
۱-۱-۲- تعقیب و اولین دستگیری‌ها.....	۷۵
۱-۱-۳- بازتاب اولیه دستگیری‌ها.....	۷۶
۱-۱-۴- پیامد ضربه نخست.....	۷۷
۲- سازمان دهی مجدد پس از ضربه شهریور.....	۷۸
۱-۲- اعلام موجودیت، رسمی سازمان مجاهدین خلق ایران.....	۷۸
۲-۲- ترکیب مرکزیت سازمان از شهریور ۱۳۵۰ تا مهرماه ۱۳۵۴.....	۸۰
۳- عملیات نظامی سازمان از ضربه شهریور ۱۳۵۰ تا مهر ۱۳۵۴.....	۸۱
۳-۱- ترورها و انفجارها.....	۸۲
۳-۲- عملیات بمب‌گذاری مقارن سفر نیکسون.....	۸۲
۳-۳- ترور سرتیپ طاهری.....	۸۲
۳-۴- ترور هاوکینز مستشار آمریکایی.....	۸۲
ب- بازسازی شرایط خارجی.....	۸۳
۱- پیشینه مبارزات قهرآمیر و چریکی در جهان.....	۸۴
۲- مائو و جنگ چریکی چین.....	۸۵
۳- ژنرال جی‌آپ و جنگ چریکی در ویتنام.....	۸۶
۴- چه گورا و دبره، جنگ چریکی در کوبا و آمریکای لاتین.....	۸۷
۵- مارکوس ماریگیلا و جنگ چریکی شهری.....	۸۹
نتیجه گیری.....	۹۲

فصل ششم: ساخت اجتماعی تغییر مواضع ایدئولوژیکی سازمان مجاهدین خلق

۹۴	۱- روند تغییر ایدئولوژی
۹۶	۲- تقی شهرام، یک پدیده
۹۶	۲-۱- از محمد تقی تا تقی شهرام
۹۷	۲-۱-۱- از عضوگیری تا فرار
۹۹	۲-۱-۲- تأثیرپذیری تقی شهرام از دوستان مارکسیست
۱۰۰	۲-۱-۳- زمینه مارکسیستی تقی شهرام
۱۰۰	۲-۱-۴- ویژگی شخصیتی تقی شهرام
۱۰۱	۳- تغییر در ساخت اجتماعی افراد
۱۰۵	۴- جابجایی زمینه های اجتماعی تغییر
۱۰۵	۴-۱- دوران بحران بی هویتی در سازمان
۱۰۶	۴-۲- به حاشیه رفتن بحث های ایدئولوژیک و رشد عمل زدگی در سازمان
۱۰۷	۴-۳- سابقه التقاط در ایدئولوژی سازمان
۱۰۹	۴-۴- سیطره جهانی اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم
۱۰۹	۴-۵- وضعیت اعضای سازمان در زندان
۱۱۱	۵- فراهم شدن زمینه اجتماعی برای مارکسیست شدن سایر اعضا
۱۱۱	۵-۱- مغالطه (مبارزه ایدئولوژیک)
۱۱۱	۵-۲- تخیله روانی
۱۱۲	۵-۳- قطع آموزش های مذهبی و مطالعات اسلامی
۱۱۲	۵-۴- جایگزین متون مارکسیستی
۱۱۳	۵-۵- طرح شبهات بوسیله جزوه سبز
۱۱۵	نتیجه گیری پژوهش
۱۱۷	ضمائم
۱۳۳	منابع و مأخذ
۱۳۵	کتاب انگلیسی
۱۳۵	پایان نامه ها
۱۳۶	نشریات و روزنامه ها
۱۳۶	سایت ها

کلیات

طرح مسئله

اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران بعد از انقلاب مشروطه و آگاهی نسبی مردم نسبت به حقوق خود و وظایف هیأت حاکم، باعث تحولاتی شد که جامعه ایران را در دوره بعد (پهلوی) تحت تأثیر قرار داد. از جمله این تحولات تلاش برای ایجاد حکومت قانون و مؤلفه های وابسته به آن همچون احزاب و گروه های سیاسی، دخالت مردم در سرنوشت سیاسی - اجتماعی خویش و کم کردن اقتدار پادشاه بود. اما جنگ اول بین الملل، پیامدهای آن و تشتت سیاسی - اجتماعی که پس از آن در ایران اتفاق افتاد، مانع از تحقق مشروطه خواهی و دموکراسی در ایران شد. حاصل به هم ریختگی سیاسی - اجتماعی ایران پس از مشروطه، حکومت استبدادی رضاشاه شد، که هر چند نسخه پیچیده شده ی انگلیس بود، اما مرهم دردی شد، که جامعه ایران را تا حدودی تسکین بخشید. شاید عمده ترین انتقادی که به حکومت رضاشاه می شد، جلوگیری از حضور و فعالیت احزاب و گروه های سیاسی بود. به همین دلیل بعد از سقوط وی فعالیت آنها آغاز شد. این فعالیت هر چند به ملی شدن صنعت نفت کمک فراوان نمود، اما با کودتای ۲۸ مرداد دومین تمرکز مشروطه گرایی و دموکراسی خواهی مردم ایران را با شکست مواجه ساخت. اما این بار متفاوت از دوره قبل به دنبال رشد و گسترش انقلاب های قهرآمیز، گروه های سیاسی، منتظر دست نجات از خارج ننشسته، خود تلاش کردند مانع را از میان بردارند.

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نقطه اوج سرکوب فعالیت گروه ها و احزاب سیاسی و تغییر نگرش مبارزاتی به شمار می رود. احزاب و سازمان های سیاسی به دنبال بسته شدن فضای مسالمت آمیز و قانونی انتقاد به عملکرد رژیم، راه برون رفت از این انسداد سیاسی را تشکیل گروه های غیرعلنی دانستند. سازمان مجاهدین خلق یکی از این گروه های سیاسی بود که در اواسط سال ۱۳۴۴ توسط گروهی از جوانان دانشگاهی مرتبط با نهضت آزادی به نام های محمد حنیف نژاد سعید محسن و علی اصغر بدیع زادگان تأسیس شد. بنیانگذاران سازمان علاوه بر آنکه شخصاً مذهبی و از خانواده مذهبی بودند و نسبت به عقاید و رفتارهای مذهبی خود توجه و حساسیت داشتند از نظر سیاسی و ایدئولوژیکی، پرورش یافته نهضت آزادی بودند.

ایدئولوژی اولیه سازمان مبتنی بر اسلام و قوانین آن و هدف سازمان نیز در نهایت تشکیل حکومت اسلامی بود و قرآن و نهج البلاغه را سرلوحه کار خود قرار می‌دادند. در هر جلسه‌ی حوزه، چند آیه و یا به دنبال آن بخشی از نهج البلاغه بحث و تفسیر می‌شد. اعتقاد به اسلام و به طور قطع "مسلمان بودن" از شرط-های اولیه عضوگیری به شمار می‌رفت. در این دوره هیچ فرد غیرمسلمانی را به عضویت نمی‌پذیرفتند و همچنین اعضای اولیه سازمان انجام نماز و واجبات را برای یک فرد مسلمان ضروری می‌دانستند. محمد حنیف نژاد و سعید محسن ارتباط مناسبی با شخصیت‌هایی چون محمود طالقانی، مرتضی مطهری از روحانیون و مهندس بازرگان و دکتر سبحانی از متفکرین غیرروحانی مسلمان داشتند و تفکر سیاسی آنها متأثر از اندیشه و آثار این شخصیت‌ها بود.

بحث عمده صحبت‌های حنیف نژاد در جلسات با دانشجویان و روحانیون تأکید بر جنبه‌های سیاسی و اجتماعی حکمت اسلام و در راستای ضرورت تشکیل حکومت اسلامی خلاصه می‌شد. حال این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به پیشینه مذهبی سازمان مجاهدین خلق؛ چه عامل یا عواملی باعث شد که اعضای این سازمان در سال ۵۴ ایدئولوژی اولیه را کنار گذاشته و رسماً مارکسیست شوند؟

پیشینه و ادبیات موضوع

در بیشتر نوشته‌هایی که درباره سازمان مجاهدین خلق وجود دارد، به تغییر ایدئولوژی سازمان اشاره کرده‌اند اما همه آنها به نوعی عامل تغییر ایدئولوژی را ناشی از التقاط در اعضای سازمان می‌دانند. با این توصیف برخی از تحقیقات و نوشته‌هایی که به صورت تخصصی در رابطه با سازمان مجاهدین نوشته شده بدین شرح می‌باشند.

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی در سال ۱۳۸۴ با انتشار کتابی تحت عنوان "سازمان مجاهدین خلق؛ از پیدایی تا فرجام" (۱۳۸۴-۱۳۴۴) به کوشش جمعی از پژوهشگران، در سه جلد به بررسی این سازمان پرداخته است. این مجموعه بیشتر به صورت تاریخ نگاری، وقایع سازمان را براساس زمان وقوع آنها به ترتیب مورد بررسی قرار داده و در پی آن به ایدئولوژی سازمان نیز متناسب با زمان وقوع حوادث اشاراتی کرده است.

این کتاب با استناد به حجم عظیمی از منابع و مآخذ، اطلاعات و آگاهی‌های زیادی در مورد افراد شناخته شده سازمان مجاهدین خلق، اندیشه‌ها و اقدامات آنها ارائه داده است؛ و با تأکید بر ایدئولوژی و

اقدامات مسلحانه و چریکی آنها، عدم موفقیت در رسیدن به اهدافشان - که همان نفوذ در جامعه و بدست گرفتن قدرت سیاسی بود - را فقدان تناسب با فرهنگ، مذهب و روحیه عمومی جامعه ایران می‌داند.

۲- مظفر مهرآبادی، بررسی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق؛ تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی. این کتاب شاید تنها اثری باشد که بطور مستقل به موضوع تغییر ایدئولوژی سازمان می‌پردازد. کتاب مشتمل است بر شش بخش و چهارده فصل که در این کتاب موضوع تغییر ایدئولوژی سازمان را به ریشه برداشتهای اولیه و فاکتور التقاط ارجاع می‌دهد.

۳- احمد رضا کریمی؛ "شرح تاریخچه سازمان مجاهدین خلق ایران و مواضع آن"؛ کریمی در این کتاب علاوه بر پرداختن به تاریخچه سازمان مجاهدین خلق به تغییر مواضع ایدئولوژی سازمان نیز می‌پردازد که در این کتاب تغییر ایدئولوژی سازمان را نتیجه ضعف ایدئولوژیکی افراد تأثیرگذار در تغییر ایدئولوژی دانسته است.

۴- محمدمهدی جعفری؛ "سازمان مجاهدین از درون"؛ محمدمهدی جعفری که از سمپات‌های اولیه و از اعضای بعدی سازمان مجاهدین خلق بود، در این کتاب تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق را نتیجه نفوذ افرادی می‌داند که گرایشات مارکسیستی آنها بر اعتقادات مذهبی آنها سنگینی می‌کرد و رگه‌های مارکسیستی در ایدئولوژی اولیه زمینه را برای تحمیل عقایدشان فراهم می‌کرد.

۵- خسرو قنبری در پژوهشی با عنوان "ساخت روانی و جامعه شناسانه سازمان مجاهدین خلق ایران" که عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد وی در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه امام صادق می‌باشد. در این پژوهش اصول حاکم بر سازمان، عملکرد و اقدامات آنها را از نظر تشکیلاتی و ساخت روانی و اخلاق سیاسی تشریح کرده است. وی در این پژوهش به این نتایج رسیده است:

- ۱- سازمان از همه چیز و همه کس برای رسیدن به قدرت استفاده کرده است.
- ۲- تمایل به قدرت و ایدئولوژی خصوصیت برجسته اندیشه سازمان مجاهدین خلق است.
- ۳- عمل‌گرایی شدید، دور شدن از مردم و در عین حال خود را نماینده مردم و خلق دانستن و تقلیل انسان چندبُعدی به تک بُعدی از دیگر مشخصات اندیشه سازمان مجاهدین خلق است.
- ۴- مرکزیت سازمان مجاهدین خلق، تمام اعضا را از یک خانواده دانسته و تابعیت محض را از آنها خواسته است.

۶- حسین احمدی روحانی؛ "سازمان مجاهدین خلق"؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی. روحانی زمانی از اعضای اصلی و مرکزیت سازمان مجاهدین خلق، بخش منشعب آن و سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بوده، و کتاب «شناخت» را جهت اهداف ایدئولوژیک سازمان به رشته تحریر درآورده است. وی در این کتاب با اشاره به مباحث اصلی به تشریح تاریخچه‌ی تشکیل، مواضع و اقدامات سازمان پرداخته است و در این کتاب با اشاره به تغییر ایدئولوژی سازمان، انشعاب سازمان را نتیجه تغییر ایدئولوژی و قدرطلبی بعضی از اعضای مرکزیت دانسته است.

۷- یرواند آبراهامیان در سال ۱۹۸۹ م/ ۱۳۶۸ ش کتابی تحت عنوان *Radical Islam- the Iranian Mojahedin* (اسلام رادیکال- مجاهدین ایرانی) در مورد سازمان مجاهدین خلق ایران، پیشینه، اقدامات و فعالیت‌های آنها به رشته تحریر درآورد. وی در این کتاب در بخش دوم به نحوه تشکیل، اقدامات و فعالیت‌های سازمان مجاهدین از ابتدای تشکیل تا سال ۱۹۸۱ م/ ۱۳۶۰ ش پرداخته است. آبراهامیان در این کتاب به رابطه بنیانگذاران و اعضای اولیه سازمان با نهضت آزادی به ویژه آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان، چگونگی و زمینه‌های تشکیل سازمان را مورد بررسی قرار داده است.

اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم هر کدام از پژوهش‌های قبلی انجام شده دارای اهمیت خاص خود می‌باشند و هر یک از آنها موضوعی اساسی را در این تغییر پوشش داده‌اند. اما از کاستی‌های این پژوهش‌ها، این است که همه آنها ایدئولوژی التقاطی اعضای سازمان را عامل مهمی در تغییر ایدئولوژی سازمان می‌دانند و هیچ کدام از آنها به عامل ساخت اجتماعی افراد تأثیرگذار در تغییر ایدئولوژی که به نظر می‌رسد فاکتور مهمی در این تغییر باشد توجه نکرده‌اند.

سؤال اصلی:

با توجه به پیشینه مذهبی سازمان مجاهدین خلق چه عامل یا عواملی باعث شد اعضای این سازمان در سال ۵۴ ایدئولوژی اولیه خود- اسلام- را کنار گذاشته و رسماً مارکسیست شوند؟

فرضیه:

تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق در سال ۵۴ اساساً متأثر از تغییرات در ساخت اجتماعی در طول دهه مورد نظر (۱۳۵۴-۱۳۴۴) بود.

مفروض:

ساخت اجتماعی مشتمل است به مجموعه‌ای از شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم و پایگاه فرهنگی، تربیتی، آموزشی و خانوادگی افراد.

متغیرها

متغیر وابسته: تغییر مواضع ایدئولوژیکی سازمان مجاهدین خلق

متغیر مستقل: تغییر در ساخت اجتماعی

روش آزمون فرضیه

روش آزمون فرضیه در این پژوهش کتابخانه‌ای با بررسی کتب و اسناد موجود می‌باشند؛ در این پژوهش سه سطح از یک پژوهش مدنظر بوده است: در سطح اول منابع مرتبط با موضوع شامل کتب و مقالات به زبان فارسی و لاتین، روزنامه‌ها و مجلات و مطالب سایت‌های اینترنتی گردآوری شدند. و در سطح دوم، مطالب گردآوری شده را طبقه بندی و روش فیش برداری مورد توجه قرار گرفته است. در سطح سوم به تحلیل مطالب پرداختیم تا به نتایج مورد نظر دست پیدا کنیم.

اهداف تحقیق:

هدف از انجام این پژوهش روشن کردن بخشی از تاریخ معاصر ایران در برهه‌ای حساس می‌باشد و در نظر دارد تا با استفاده از منابع، اسناد و مدارک و دیدگاه‌های مختلف درباره موضوع، به یک برداشت علمی-تاریخی از تغییر مواضع ایدئولوژیکی سازمان مجاهدین خلق دست پیدا کند. لذا در نظر دارد که با انجام این پژوهش به اهداف ذیل دست پیدا کند:

- کسب آگاهی در مورد بخشی از تاریخ معاصر ایران در برهه‌ای حساس

- شناخت مبانی فکری سازمان مجاهدین خلق

- فهم چرایی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق

- بررسی زمینه اجتماعی تغییر مواضع ایدئولوژیکی سازمان مجاهدین خلق

اهمیت موضوع

از آنجایی که سازمان مجاهدین خلق ایران سازمانی است که به نوعی می‌توان گفت بزرگترین تشکیلاتی است که از سال (۵۴-۱۳۴۴) به سازمان دهی نیروهای مذهبی با تأکید بر ایدئولوژی اسلامی در مبارزه با رژیم پهلوی پرداخت. اما از سال ۵۴ ما شاهد تغییر مواضع ایدئولوژیکی این سازمان به مارکسیست

هستیم. آنچه برای ما اهمیت دارد زمینه اجتماعی چگونگی رسیدن به این فهم (تغییر ایدئولوژی) است. از طرفی هم بررسی این موضوع از آن جهت اهمیت پیدا می‌کند که ما در این پژوهش برخلاف نوشته‌های پیشین، این تغییر ایدئولوژی را نتیجه تغییر در شرایط اجتماعی - تاریخی آنها می‌دانیم.

فصل اول:
چارچوب نظری

جامعه‌شناسی معرفت

اگرچه در ابتدا اندیشه و فکر به مثابه انسانیت، انسان را عمدتاً ثابت و مستقل و مبرا از هر گونه تاثیرات فردی و اجتماعی و محیطی می‌دانستند اما به مرور زمان به عده کسانی که بر تغییرپذیری فکر و اندیشه و تابعی بودن آن اعتقاد داشتند افزوده شد.

در نزد صاحب نظران، محافل و مکاتبی که فکر را غیر ثابت و تاثیرپذیر تلقی کرده‌اند، منابع تغییر و تأثیر یکی نیست. از این رو منبع تغییر و تأثیر فکر و معرفت در برگیرنده طیف وسیعی از جسم و روان فرد تا محیط فیزیکی، طبیعی و محیط اجتماعی و تاریخی می‌دانند.

آنهایی که محیط اجتماعی و تاریخی را سرمنشاء تغییر و تأثیر و به اصطلاح تعیین فکر و معرفت قلمداد کرده‌اند از هواداران رسمی و غیررسمی رویکردی هستند که در مطالعات معاصر جامعه‌شناسی معرفت نام گرفته‌اند.

اگر بخواهیم تعریفی از جامعه‌شناسی معرفت ارائه دهیم می‌توان گفت: جامعه‌شناسی معرفت در معنای عام و کلی آن شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که رابطه فکر و جامعه را مورد مطالعه قرار می‌دهد. به بیان دیگر جامعه‌شناسی معرفت به بررسی رابطه میان اندیشه آدمی و زمینه اجتماعی که این اندیشه در آن سر برمی‌آورد. در واقع جامعه‌شناسی معرفت رابطه‌ای علی و ضروری در مورد تأثیر امر اجتماعی بر معرفت قائل است.^۱

اگرچه جامعه‌شناسی معرفت یک پدیده قرن بیستمی است ولی استدلال‌های که در جامعه‌شناسی معرفت امروزی مطرح است نظایر چندصدساله دارد. در تاریخ چنین تفکراتی در غرب، سابقه ارتباط دادن فکر با واقعیت‌های اجتماعی به دوره یونان باستان برمی‌گردد. حتی مطرح می‌شود که عقیده افلاطون در این مورد که معرفت حقیقی قابل دسترسی برای طبقات پایین جامعه نیست گویای رابطه بین جامعه و معرفت است.^۲

۱- ر.ک؛ پیتربرگر، توماس لوکمان، ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی؛ تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۵.

۲- ر.ک؛ محمدتوکل: جامعه‌شناسی معرفت. تهران: سمت ۱۳۸۳.